

علل عصیان و ناسازگاری نسل امروز

اگر می‌خواهید فرزندان شما ، شما را قبول داشته باشند آنها را قبول داشته باشید .

رفت و می‌توان گفت اختلاف نظرها و اختلاف معلومات دونسل قدیم و جدید چندان هم بی‌فایده نیست ولی چنانچه یکی از دو طرف در اثبات عقاید خویش سرسختانه و متعصبانه پیشروی کند ، فایده این اختلاف به ضرری غیر قابل جبران مبدل می‌گردد . اگر پدری به ادامه تحصیلات فرزندش ، معتقد باشد یا این که مادری بخواهد رفتار فرزند را با مراقبت مداوم محدود بسازد ، توقف رشد علمی و اجتماعی فرزند حتمی است .

اکنون ببینیم برای سازگاری این دو طبقه چه کاری می‌توان کرد ؟ بهتر است سری به جرگه جوانان بزنیم تا دریابیم موجب مخالفت آنها با بزرگتران خود چیست ؟ یکی میگوید " آنچه باید به ما یاد بدهند یاد نداده‌اند ما را با فشار به مطالعه کتاب و تحصیل علوم واداشته‌اند درحالی‌که علم

ناسازگاری یا عدم سازش جوانان با بزرگسالان و بالعکس ، موضوعی است که بصورت یک مساله یا یک مشکل بزرگ اجتماعی درآمده است ، اختلافات تند خانوادگی که از اختلاف نسل قدیم و جدید بر می‌آید آرامش و سلامت جامعه را برهم می‌زند و گاه اتفاق می‌افتد که فرصت زیادی از افراد خانواده‌های بزرگ ، صرف بحث و گفت و شنود با جوانان می‌شود ، و زندگی آنها در اثر این مبارزات لفظی در تلخی می‌گذرد ، و در نتیجه همین مباحثه‌ها و " مشاجره‌های نابجا ، پدران و فرزندان از یکدیگر دور و گریزان می‌شوند .

وجود اختلاف بین عقیده جوان و عقیده پیر و تضاد تمایلات این دو گروه ، یک پدیده قدیمی و طبیعی است و این اختلاف هیچ وقت از بین نرفته و نخواهد

ومادران و مربیان در تربیت نسل جوان چه تقصیری دارند؟ آیا آنان می‌توانند گسترش علوم و ادبیات و هنر را محدود بسازند و روابط اجتماعی این زمانه را که بادستگا - ههای بی‌سیم و باسیم و با صور و اصوات به وجود می‌آیند از بین ببرند؟

نسل جوان می‌داند که متمرکزیست و در این ترمز به خویشتن حق میدهد. گرچه این ترمز نارهایی پدر، مادر، معلم خانوادده و جامعه را بدنبال می‌آورد ولی این آرزو را دارند که چهره جامعهی خود را از تیرگی به روشنی دگرگون سازند اما در مقابل به مشکلاتی برمی‌خورند که نمی‌دانند این مشکلات چرا به وجود آمده است و موجبات حقیقی شکایتهارا در نمی‌یابند و به قدری از اینگونه شکایات شنیده‌اند که ناچارند بر قدرت تحمل خویش بیفزایند زیرا راه رفع شکایت و نارضائی را نمی‌دانند و نیز تلاش خود را برای جلب رضایت بزرگتران بی‌حاصل تشخیص داده‌اند.

نکته دیگری که از تحقیقات اجتماعی برمی‌آید نوع رفتار پدران و مادران است که موجب سرکشی شناخته میشود.

نکته مهم دیگر این است که تضاد افکار و تمایلات و اختلافات دوسل قدیم و جدید تا این اندازه نگران کننده نیست که زندگی بزرگتران و جوانان را تلخ سازد و

زندگی، بحث و هنری دیگر دارد " آن یکی معتقد است " بزرگسالان ما به علوم دیروز آشنا شده‌اند و علم امروز کتاب دیگری می‌خواهد و روش تعلیماتی دیگری را ایجاب می‌کند " بالاخره مجموعه عقاید جوانان در چند نکته جمع می‌شود " اشتباه در روش تربیت، انتخاب نوع تعلیمات، بد رفتاری مربیان و بالاخره شناختن روحیه جوانان " بدنیست بدانیم بزرگسالان چه

می‌گویند

در اغلب مجالس از نسل قدیم این عبارت‌ها را می‌شنویم

نسل جدید، سرکش و خود خواه شده، تن به کارهای جدی نمی‌دهد، شوق نابخا دارد و قدر زحمات پدر و مادر را نمیداند و در برخی از کارها و معاشرتهای خود اشتباه میکند...

xxx

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا توسعه معلومات جوانان باعث سرکشی آنهاست و یا توسعه رابطه‌های اجتماعی عامل ترمز است؟ آیا وسایل و انگیزه‌های تفریحی عامل انحراف است؟ یا بسط افکار و خیال دور پرواز آنهاست که باعث می‌شود نزدیکان خود را بحساب نیاورند؟ سؤال دیگر این است که آیا پدران

دنیای آینده را تاریک جلوه بدهد. شما می دانید که علوم مادی و فنون متوسدد، پیشرفت سریعی کرده و باید بدانید که علوم انسانی نیز به سرحد پیشرفت هنر و صنعت رسیده است.

xxx

اگر می خواهید فرزندان شما، شما را قبول داشته باشند آنها را قبول داشته باشید، با معلومات آنها پیش بروید، از اطلاعات آنها مطلع بشوید، و به زبان آنها سخن بگویید. فرزندتان شما را لحاظ پیشرفت اطلاعات بروسیلهای سریع السیر سوار هستند و به تندی می روند شما نمی توانید بر مرکب کندرو آنهام قدیمی، بنشینید و پیشاپیش آنها حرکت کنید و آنها را از حرکت باز دارید و با اصرار به آنها بپیمانید که مرکب ما و خود ما و عقاید ما و دنیای ما از مرکب و عقاید و دنیای شما و خود شما بهتر است، اشخاصی که از فرزندان خود خالتر هستند دچار ناراحتی از نسل جدید نمی شود و فرزندان آنها نیز به بیماری سرگشی و لجاجت مبتلا نمی شوند.

بقیه انسان زباله سطل تمدن نیست! آری این راه هست و حتما هم هست. ولی نشانه آن بسوی مقاصدی که دیگران رفته اند نیست اگر هم تا بحال بسوی این مقاصد پیشروی کرده ایم باید راه خود را قبل از آن که دیر شود کج کنیم.

بشر امروز، برای پی افکندن یک نظام جامع اخلاقی صاحب اندیشه و برنامه نیست. باید به خاطر رضای تاریخ بفکر فنا و توسعه تربیت، نزاکت و بزرگواری صفات عمومی بود.

کاری که غرب با محتویات سطل تمدن، یعنی انسان می کند، کاری نیست که قابلیت و سزاواری تقلید داشته باشد. خاصه آن که ماهدف را بر این پایه قرار داده ایم که مقلد نباشیم و تجارب اشتباه آمیز دیگران را به تجربه و آزمون نکشانیم.

جهان ندامتگاهی است که متاسفانه کمتر کسی حاضر به اعتراف به گناه می شود. اجازه ندهیم جامعه ما ندامتگاه فردای جهان باشد.

(تلخیص از مطبوعات)



مطالب این شماره

- ۱- غارتگران تمدن ۱
- ۲- آنها عقیف و پاکدامند ۴
- ۳- بی‌آمدهای انتظار یک انقلاب جهانی ۸
- ۴- پیام به انسان ۱۲
- ۵- فدک صحنهٔ پیکارهای سیاسی ۱۴
- ۶- تحولات عهد عتیق درطول تاریخ ۱۹
- ۷- هیولای نفاق ۲۴
- ۸- کنگرهٔ فقه اسلامی درپاریس ۲۶
- ۹- مکتب اخلاقی اسلام ۲۸
- ۱۰- دو قرن سکوت یا دورهٔ رنسانس ایرانی ۳۱
- ۱۱- اسلام و مبارزه با اسراف و زیاده رویها ۳۶
- ۱۲- آخرین سخن دربارهٔ تقیه ۴۱
- ۱۳- انسان زیاله سطل تمدن نیست ۴۴
- ۱۴- شگفتیهای جهان گیاهان ۵۰
- ۱۵- سلاحهای مرگبارتر از بمب اتمی ۵۶
- ۱۶- چرا کودکانی ناقص الخلقه می‌شوند؟ ۶۰
- ۱۷- بلای جوانان کم تجربه عصر ما ۶۴
- ۱۸- علل عصیان و ناسازگاری نسل امروز ۶۹

صاحب امتیاز ناصر مکارم

کلیه نامه‌های علمی و سئوالات بعنوان هیئت تحریریه

چاپ دارالتبلیغ اسلامی